

علامه‌ای که در زمین زراعتش چاه آب می‌کند

سالروز بزرگداشت علامه سید محمد حسین طباطبایی، صاحب تفسیرالمیزان، فرصتی شد تا گذری بر زندگی پر فراز و نشیب آن فرزانه تاریخ تشیع داشته باشیم.



سالروز بزرگداشت علامه سید محمد حسین طباطبایی، صاحب تفسیرالمیزان، فرصتی شد تا گذری بر زندگی پر فراز و نشیب آن فرزانه تاریخ تشیع داشته باشیم.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری رسا در تبریز، علامه سیدمحمدحسین طباطبایی صاحب کتاب تفسیر المیزان، در سال 1281 شمسی در تبریز دیده به جهان گشود؛ خدمات ارزشمند آن عالم فرزانه و علامه دهر، بر هیچ یک از اندیشمندان جهان شرق و غرب پوشیده نیست. آن استاد برجسته حوزه های علمیه، به جهت زنده کردن حکمت، فلسفه و تفسیر در حوزه‌های تشیع بعد از دوره صفویه، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

تفسیر المیزان 20 جلدی آن مرحوم، طی 20 سال به زبان عربی به نگارش درآمده که در این تفسیر، از روش «تفسیر قرآن به قرآن» استفاده شده و علاوه بر تفسیر آیات و بحث‌های لغوی، در بخش‌هایی جداگانه با توجه به موضوع آیات، مباحث روایی، تاریخی، کلامی، فلسفی و اجتماعی نیز دارد.

خود علامه می‌گوید: «هنگامی که از تبریز به قم آمدم، مطالعه‌ای در نیازهای جامعه اسلامی و مطالعه‌ای در وضع حوزه قم کردم و پس از سنجیدن آنها، به این نتیجه رسیدم که این دو حوزه، نیاز شدیدی به تفسیر قرآن دارد تا مفاهیم والای اصیل‌ترین متن اسلامی و عظیم‌ترین امانت الهی را بهتر بشناسند و بهتر بشناسانند. از این‌رو، وظیفه شرعی خود دانستم که به یاری خدای متعال، در رفع این نیاز ضروری بکوشم.»

آن مرحوم در دورانی که مطالعه و نظریه‌پردازی در فلسفه چندان در حوزه‌های علمیه مرسوم نبوده است، به بازگویی و شرح حکمت صدرایی پرداخت که البته تا این حد بسنده نکرد و به معرفت‌شناسی در این مکتب پرداخت. این مجاهدت علمی علامه، با انتشار کتب فراوان و تربیت شاگردان برجسته در دوران مواجهه با اندیشه‌های غربی نظیر مارکسیسم، به اندیشه دینی حیاتی دوباره بخشید.

بالاخره علامه سیدمحمدحسین طباطبایی پس از یک عمر زندگی بابرکت و باعزت، در 18 محرم 1402 قمری (24 آبان 1360 شمسی) در سن 81 سالگی به دیار قدسی و ملکوت رهسپار شد. امروز مرقد مطهر ایشان در بالا سر قبر حضرت معصومه(س) مأمّن و ملجأ علاقه‌مندان و دوستداران اسلام و تشیع است.

گذری بر مقاطع زندگانی آن علامه فرزانه، خالی از لطف نخواهد بود. مرحوم علامه پس از ده سال اقامت در نجف، به ناچار به علت تنگی وضع مالی به ایران و تبریز مراجعت و قریب ده سال در امر کشاورزی مشغول می‌شوند و خود می‌فرمود: مدت 10 سال از عمرم در تبریز هدر رفت.

خانم نجمه سادات طباطبایی، فرزند علامه طباطبایی و همسر شهید قدوسی می‌گوید: زمانی که در تبریز بودیم و پدرم مالک

بودند، هم مشغول کارهای زراعت بودند، هم به درس می‌رسیدند. خیلی هم در املاکشان زحمت کشیدند؛ البته پیش از آن، پدرم نجف بودند که یکی از برادرانم هم آنجا به دنیا آمد و زمانی که وی کوچک بود، ما به تبریز مهاجرت کردیم. پدرم یازده سال نجف بودند و پایه درسشان آنجا خدمت آیت‌الله قاضی و آیت‌الله اصفهانی و دیگر اساتیدشان بسته شد؛ زمانی که به تبریز آمدند، متوجه شدند که املاکشان خیلی به هم ریخته شده و بنابراین شروع به رتق و فتق کارها کردند؛ چاه‌کنند و به سایر کارهای زراعتی پرداختند.

علامه طباطبایی از نوادر روزگار بود. شخصیت ایشان از لحاظ جامعیت علوم مختلف، بسیار کم‌نظیر است؛ علامه از حیث جایگاه علمی، علاوه بر این‌که در تفسیر قرآن، مفسری عالیقدر و جلیل‌المقام است، در حکمت، صاحب‌نظر و فیلسوف، در عرفان، عارفی واقعی و الی‌الله، در کلام، متکلمی زبردست و در فقه، فقیهی جامع‌الشرایط بود.

تفسیر قرآن به قرآن علامه این نیست که همه چیز را کنار بگذاریم

آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی، رییس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) 22 آبان امسال در همایش بین‌المللی علامه طباطبایی که در این مؤسسه برگزار شد، برای تفهیم روش تفسیر قرآن به قرآن علامه طباطبایی، به بیان مثالی پرداخت و گفت: برخی می‌گویند نعمت‌های الهی تنها پیشرفت‌های دنیایی، علمی و صنعتی هستند؛ در حالی که قرآن، انبیا، صدیقین، شهدا و صالحین را دارای نعمت بیان می‌کند.

وی تصریح کرد، در جای دیگر نیز می‌فرماید: «افرادی که می‌خواهند به نعمت‌های الهی برسند، از نعمت داده شدگان پیروی کنند.» در تفسیر قرآن به قرآن، مشخص می‌شود راه اطاعت از چهار گروه بیان شده، فرد را به نعمت الهی می‌رساند؛ این مصداق روشنی از تفسیر قرآن به قرآن است. مرحوم علامه می‌خواستند این کار انجام دهند.

رییس مؤسسه آموزشی و پژوهشی مؤسسه امام خمینی(ره) خاطرنشان کرد: در تفسیر قرآن به قرآن، منظور این است تا جایی که امکان دارد از خود قرآن برای رفع ابهام استفاده کنیم؛ البته تا جایی که می‌فهمیم و فهم ما مورد قبول عرف عقلایی قرار می‌گیرد. نباید چیزی را بر قرآن تحمیل کرد و تا جایی که امکان دارد، آیات را به وسیله آیات دیگر تفسیر کرد. تا جایی که می‌توانیم یک آیه را با آیه دیگر تفسیر کنیم و اگر نتوانستیم، به مؤلفه‌های دیگر مراجعه کنیم.

وی تأکید کرد: علامه وقتی می‌فرماید تفسیر قرآن به قرآن، منظورشان این نیست که همه چیز را کنار بگذاریم؛ بلکه تا جایی که می‌شود، آیات را باید به وسیله آیات تفسیر کرد؛ قرآن وقتی می‌گوید اقم الصلاة، نمی‌خواهد که جزئیات را بیان کند، بلکه می‌خواهد انگیزه ایجاد کند و تفاسیر آن را باید از دیگران گرفت. در مقام بیان نیست؛ بلکه می‌خواهد اصل نماز را مورد تأکید قرار دهد.

شخصیت استاد از نگاه شاگرد

آیت‌الله محسن مجتهد شبستری، نماینده ولی فقیه در آذربایجان شرقی که افتخار شاگردی علامه طباطبایی را داشته است، گفت: عصر روزهای تعطیل، علامه در طبقه فوقانی مدرسه فیضیه قم درس فقه، اصول، فلسفه، تفسیر قرآن و اسفار ملاصدرا را تدریس می‌کرد که من نیز به مدت پنج سال درس اسفار(فلسفه) و دو سال درس تفسیر را در محضر ایشان تلمذ کرده‌ام.

امام جمعه تبریز با بیان این‌که علامه از نظر علمی شخصیتی فراتر از جامع‌المعقول والمنقول داشت، گفت: من در طول چند سالی که در محضر ایشان بودم، لحظه‌ای ندیدم که ایشان از اصول اخلاقیات و رفتار و کردار انسانی خارج شود؛ علامه همواره در برابر سؤالات و اظهارات طلاب، بسیار متواضع و بردبار بود؛ حتی اگر طلبه‌ای سؤال نابجا و بی‌ربط نیز می‌پرسید، ایشان با کمال صبر و شکیبایی گوش فرا می‌داد و جوابی شفاف و بصیرت‌بخش ارائه می‌کرد.

وی اضافه کرد: بعد از اتمام جلسات درس نیز اگر طلبه‌ها در طول راه سؤالات خود را می‌پرسیدند، ایشان به طور کامل و با شفقت و مهربانی پاسخ می‌گفت و بلافاصله از سؤال کننده خداحافظی می‌کرد که مبادا طلبه‌ای به خاطر حفظ حرمت استاد، مسیر خود را عوض کند؛ از سوی دیگر به خاطر تواضع و فروتنی، از جلب توجه و طی مسیر با طلاب که نشانی از جلال و جبروت استاد باشد، اجتناب می‌کرد و همیشه به تنهایی طی طریق می‌نمود. لذا اخلاق و رفتار و گفتار و کردار ایشان، درس عملی برای طلاب و اطرافیان بود.